



وام پذیری زبان گیلکی از زبان روسی

فرانک فخر^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی (PhD) ادبیات عرفانی، دانشگاه آزد واحد کرج، ایران

چکیده

همسایگی دو کشور ایران و روسیه یا همان اتحاد جماهیر شوروی سابق از دیرباز و مراودات بازرگانی و تجاری گسترده و مسافرت‌ها و مهاجرت‌ها و گاه درگیری‌ها و کنش‌های سیاسی و نظامی بین دو کشور باعث نفوذ و رواج و افزایش کلمات روسی به زبان گیلکی شد. البته نزدیکی‌های قومی و ملی و اقلیتی از طریق ازدواج و خویشاوندی دو ملت، بیشتر به تداخل واژگانی دو زبان دامن زد. واژه‌های روسی در زبان گیلکی در مرکز گیلان رشت (به دلیل موقعیت جغرافیایی، جاده ابریشم و روابط تجاری و اجتماعی...) و کمی آن طرف‌تر بندرانزلی (که اسکله و یکی از بنادر تجاری مهم در دوران قاجار بوده) بیشتر نفوذ و گسترش یافته است. این سخن بدان معنا نیست که وام واژه‌های روسی در سایر نقاط گیلک زبان راه نیافتند. امروزه در محاوره‌های روزانه گیلک زبانان و گاه ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌های محلی، زندگی عادی جامعه گیلان، شاهد خودنمایی و جلوه‌گری واژگان بیگانه‌ایم. که بر اثر مرور زمان جا خوش کرده و جز بافت و بطن زبان کهن گیلکی شده‌اند. هدف این پژوهش بررسی و استخراج برخی واژگان و الفاظ روسی (وام واژگان روسی) در زبان گیلکی، ریشه‌یابی واژه‌های گیلکی و مقایسه ساخت افعال، ترکیبات و صفات در گیلکی و فارسی مدنظر است.

واژگان کلیدی: زبان، گویش، گیلکی، روسی، واژه



۱- مقدمه

زبان روسی از زمان فتحعلی شاه تا اواخر قاجاریه بسیار در ایران کاربرد داشته است، چرا که نزدیکان، غلامان، مریبان و ندیمان پادشاه قاجار روسی بودند. در زمان حکومت فتحعلی شاه سه خواجه اعظم دربار وی به نام‌های خواجه میرزا یعقوب مارکاریان (ارمنی روسی زبان)، خواجه خسروخان قایتامازیانی (ارمنی روسی زبان) و خواجه منوچهرخان به نیکالوپوف (روسی) هر سه روسی زبان بودند و از روسیه به ایران آمده بودند. سربازان و فرماندهان هنگ فتحعلی شاه به سرکردگی سامسون خان (سامسون یا کولیه ویچ ماکیتسه ف) از نظامیان پیمان‌شکن فراری اهل روسیه بودند. عباس میرزای نایب‌السلطنه، فرزند فتحعلی شاه و پسرش محمد میرزا (محمدشاه) در ایجاد رابطه با روس‌ها و روسیه پیرو فتحعلی شاه بودند. ناصرالدین شاه پسر محمدشاه نیز که پس از مرگ پدر در کودکی به سلطنت رسید، زیر نظر مربی روس خود "سه‌رگه مارکوویچ شاپشال" آموزش دیده بود. مظفرالدین شاه، نیز با روسیه روابط نزدیکی داشت. محمدعلی میرزا، پسر مظفرالدین شاه سرهنگ "لیاخوف" فرمانده بریگارد قزاق روس را مأمور به توپ بستن مجلس شورای ملی کرد

بنا به دلایل متعددی از جمله، تأسیس کنسولگری روسیه در رشت، اتباع روسی ساکن در این منطقه، آرامنه گیلان که از دیرباز با قفقاز ارتباط داشتند، سبب ارتباط و در واقع تأثیرپذیری فرهنگی از روسیه گردید. نمود مادی این فرهنگ پذیری را می‌توان در بررسی اولین اجراهای تئاتری به‌خوبی دید (شیخان، ۱۳۹۵، Cgie.org.ir/fa/news/1...).

منطقه روسیه و قفقاز و اتباع آن روابط نزدیک تجاری و فرهنگی داشتند، حتی تعدادی از مردم گیلان بعد از تأسیس کنسولگری روسیه در رشت به‌صورت اتباع روسیه درآمدند که تمام این ارتباطات نشان‌دهنده لزوم آشنایی با زبان روسی است، که سبب ورود واژگان و اصطلاحات روسی به گویش گیلکی گردیده است. البته این تأثیرپذیری که به‌عنوان قرض‌گیری زبانی مطرح می‌شود، روندی عام است که در بخش‌های گوناگون زبان به شکل‌های مختلف اتفاق می‌افتد. (مدرسی، ۱۳۹۱، ۸۹، به نقل از شیخان، ۱۳۹۵، cgie.org.ir/fa/news/1...)

زبان گیلکی، مشتمل بر چهار لهجه بیه‌پسی (گیلان غربی)، بیه‌پیشی (گیلان شرقی)، تبری (غرب مازندران) و دیلمی (مناطق کوهستانی جنوب گیلان) می‌باشد. البته مردم شمال غربی گیلان، به زبانی دیگر از خانواده زبان‌های حاشیه دریای خزر که زبان تالشی باشد تکلم می‌کنند. (http://gile_zakon.blogfa.com/post/215 گیلانی‌ها، گویش‌های گیلانی).

شاید زمانی که یک گیلک زبان، گیلکی صحبت می‌کند یک غیر گیلک، متوجه منظور و کلامش شود اما این دلیل بر گویش بودن گیلکی نیست. از نظر زبان‌شناسی در گیلکی، افعال مثبت و منفی و ترکیب و جای‌گیری صفات و مضاف و مضاف‌الیه، کاملاً مستقل و متفاوت از زبان فارسی است. اگر یک گیلانی بخواهد تهرانی صحبت کند آن وقت زبان فارسی را با لهجه گیلکی بیان می‌کند که برعکسش هم می‌تواند باشد یک تهرانی یا اصفهانی یا شیرازی بخواهد گیلکی حرف بزند، زبان گیلکی را با لهجه فارسی حرف خواهد زد. پرواضح است لهجه روی نحوه تلفظ و مناطق جغرافیایی تأکید دارد.



این پژوهش نحوه ورود و پذیرش برخی وام واژه‌های زبان روسی را در زبان گیلکی مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر علمی پژوهشی صورت پذیرفته است.

۳- یافته‌ها

هدف و رسالت نویسنده، بررسی و چگونگی تأثیرپذیری و وام‌گیری زبان گیلکی از بعضی واژه‌ها و اصطلاحات روسی همچنین مقایسه ساختار افعال و ترکیبات و صفات در فارسی و گیلکی است.

۴- پیشینه پژوهش

برای شناسایی دوره‌های تاریخی و افعال و تحولات واج‌ها و ریشه‌یابی واژه‌های گیلکی و وام‌واژه‌های روسی پژوهش‌های متعددی به انجام رسیده است.

سید آقایی رضایی، (۱۳۹۹)، فهرستی از وام‌واژه‌های روسی تهیه و آن‌ها را در دودسته طبقه‌بندی کرده است.

صبوری و روشن (۱۳۹۳)، به ریشه‌شناختی چند واژه از گویش گیلکی شرق گیلان پرداخته است.

صبوری، (۱۳۹۶)، نگاهی به ریشه‌یابی چند واژه از گویش گیلکی این پژوهش پیوند زبانی گویش گیلکی را با زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در دوره‌های سه‌گانه تاریخی ایران باستان، میانه و نوه‌مراه با سیر و تحول‌ها مورد بررسی قرار داده است.

شیخان، (۱۳۹۵)، تأثیر زبان روسی بر گویش گیلکی و ورود برخی واژگان روسی به این گویش.

مرکز آموزش زبان‌های خارجه دانشگاه شهید بهشتی، (گویش‌ها و لهجه‌های زبان روسی)، انواع لهجه‌ها و گویش‌ها را در ورشوی روسیه مورد مطالعه قرار داده است.

شکوری (۱۳۹۰)، واژه‌های ترکی، روسی و... در گویش آبکناری مورد پژوهش قرار گرفته‌اند.

سید آقایی رضایی، حسینی، (۱۳۹۲)، وام‌واژه‌های روسی در زبان فارسی و زبان‌های کرانه جنوبی دریای مازندران با تکیه بر نام ماهیان دریای مازندران.

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۴ شماره ۱.

در این مقاله با تکیه بر فرهنگ‌های واژگان و تحقیقات میدانی در استان‌های گیلان و مازندران از وام‌واژه‌های روسی در حوزه شیلات و نام ماهیان پرداخته شده است.

فیروزیان پور، اصفهانی، (۱۳۹۵)، بررسی روند دگرگونی وام‌واژه‌های روسی ورود و گویش گیلکی و مازندرانی.

این پژوهش تغییرات آوایی وام‌واژه‌های روسی در دو گویش مذکور و ویژگی‌های کلی وام‌گیری را در آن‌ها را مورد مقایسه و بررسی قرار داده است.



پناهی، شیخان، (۱۳۹۵) تاثیر زبان روسی بر زبان فارسی و گویش گیلکی، همایش سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران.

در این پژوهش به نفوذ و رواج واژگان و عبارات روسی در زبان و اصطلاحات فارسی و گیلکی پرداخته شده است.

۵- وام‌گیری زبان گیلکی از روسی

گویش گیلکی در شمال ایران در استان گیلان رایج است. و در گروه گویش‌های کرانه‌ی دریای خزر در ردیف تاتی تالشی، گالشی و مازندرانی جای دارد. (سمیعی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). گویشوران این زبان محلی را گیلک می‌نامند. که اکثراً دوزبانه هستند. و علاوه بر زبان بومی به فارسی نیز تکلم می‌کنند (راستارگویا، ۱۳۹۰: ۱۴).

روابط گسترده فرهنگی، سیاسی، نظامی و تجاری منجر به ورود عناصر زبانی بسیاری از روسی به گیلکی شده است. و گیلک‌ها مستقیماً واژه‌هایی از آنان را وام گرفته‌اند.

نشانه مستقیم این وام‌گیری، استفاده نشدن این واژه‌ها در زبان فارسی است (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۷: ۹۹، به نقل از سید آقایی رضایی، ۱۳۹۹، ۱۷۰).

اصلی‌ترین شکل تداخل زبانی بین ملت‌ها وام‌گیری کلمات بیگانه است.

وام‌گیری در عین حفظ استقلال و ماهیت زبان موجب غنا و انعطاف‌پذیری آن می‌شود (سید آقایی رضایی، ۱۳۹۹، ۱۷۰).

وام‌گیری پدیده‌ای است جهانی و چنانچه کنترل شده باشد، موجب غنای زبان مقصد می‌شود. میان سرزمین‌های گیلان و روسیه همواره روابط زبانی گسترده‌ای وجود داشته و شاهد واژه‌های فراوانی هستیم که به واسطه همجواری و سال‌ها روابط فرهنگی، سیاسی، نظامی، تجاری و ... از زبان روسی وارد گویش گیلکی شدند، درحالی‌که نشانی از آن‌ها در زبان فارسی معیار و دیگر گویش‌های ایرانی نیست.

وام واژه‌های هر زبان را می‌توان در دسته‌های مختلف از جمله بومی شده و بین‌المللی و ... جای داد.

در بومی شده منظور واژه‌های بیگانه که با رسم‌الخط سیستم آوایی زبان مقصد منطبق شده‌اند. و در یک مقوله دستوری جای می‌گیرند مانند درشکه (وسیله نقلیه سبک چهارچرخه با دو جای سرنشین) در فارسی اسم مفرد است برگرفته از زبان روسی، که اسم جمع است. واژه‌های بیگانه که عمدتاً اصطلاحات علمی و فنی بوده و ریشه در عناصر زبانی لاتین در یونان باستان دارند مانند اتومبیل که در فارسی، انگلیسی، روسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی وام‌گیری دلایل برون‌سازمانی با درون‌سازمانی دارد. روابط تنگاتنگ فرهنگی، سیاسی، تجاری، اقتصادی از دلایل برون‌سازمانی وام‌گیری است.

برای مثال caMoBap (خودجوش) به همراه خودشی از روسی به فارسی راه یافت. از دلایل درون زبانی وام‌گیری تمایل گویشوران زبان وام‌گیرنده برای صرفه‌جویی در استفاده از کلمات است. چرا که کلمه خارجی گویا و کوتاه به آن مفهوم با



پدیده اشاره می‌کند. برای مثال استپ (جلگه پهناور بدون درخت در نواحی نیمه‌خشک) از روسی به فارسی وارد شده است (سید آقایی رضایی، ۱۳۹۸، ۱۶۹-۱۷۳).

دلایل عمده قرض‌گیری و ورود وام‌واژه‌ها به هر زبان یا گویش شامل ورود پدیده‌های صنعتی، وجود روابط سیاسی، روابط فرهنگی، روابط اقتصادی، ورود افراد تحصیل‌کرده از خارج، عوامل جغرافیایی (هم‌مرز بودن)، برخوردهای نظامی و... می‌باشد. این نوع فرآیند را می‌توان میان گویش‌های ایرانی حاشیه دریای خزر و زبان روسی مشاهده نمود. (فیروزیان پور اصفهانی، ۱۳۹۵، ۱)

زبان گیلکی ساختار صرفی و نحوی و دستور زبان مستقل و مخصوص به خود را داشته که از زبان فارسی متمایز است. ترتیب مضاف و مضاف‌الیه و صفت و موصوف و ساخت افعال مثبت و منفی در زبان گیلکی، کامل با زبان فارسی مغایرت دارد. به‌عنوان مثال در زبان فارسی می‌گوییم:

موصوف صفت زیبا، صفت دختر موصوف

دختر زیبا اما در زبان گیلکی عکس این ترکیب صحیح است. خوجیر دتر که در مناطق مختلف گیلان، به جای واژه دتر، از کور یا لاکو، استفاده می‌شود.

موصوف صفت موصوف صفت آبی، صفت چشم، موصوف

یا چشم آبی که در گیلکی می‌شود: کاس چوم

موصوف صفت موصوف صفت

یا جوراب قرمز که معادلش در گیلکی می‌شود. سورخه جوراف

موصوف صفت موصوف صفت بزرگ، صفت عروسک، موصوف

یا عروسک بزرگ معادل گیلکی آن برابر است با پيله گیشه

معادل گیلکی، مصدر فارسی ساختن، درست کردن ← چاگودن Chagudan

یا مصدر فارسی رفتن در زبان گیلکی ← شوون Sho'on می‌شود.

یا مصدر فارسی میل داشتن به خوراکی یا ذائقه و مزاج برای صرف غذا معادلش به گیلکی ← وستن Vastan

یا مصدر فارسی دادن معادلش به گیلکی ← فدن (گیلکی رشتی)، هدن (گیلکی شرق گیلان)

حال اگر بخواهیم این افعال را منفی کنیم.

می‌دهد ← فارسی منفی نمی‌دهد ← ن نفی در ابتدای فعل فارسی می‌آید.

فدن ← گیلکی منفی رشتی فندن

هدن ← گیلکی منفی هدنه، هندنه

ن نفی در وسط فعل گیلکی می‌آید.

شرق گیلان



همین‌طور ساخت‌هایی که در زبان گیلکی هستند، مستقل و متفاوت از زبان فارسی‌اند. مانند فعل مستمر فارسی (دارم می‌روم)، که در صورت منفی شدن، (دارم نمی‌روم) اشتباه است. اما در گیلکی، می‌توان فعل مستمر را منفی کرد. شؤ درم (دارم می‌روم) که منفی نشؤ درم. در کنار استقلال زبانی و ساخت‌ها و ترکیب‌های افعال و صفات و... در گیلکی، زبان گیلکی یکی از زبان‌های وام‌پذیر از زبان‌های بیگانه مخصوصاً زبان روسی است.

۶- ریشه‌شناسی واژه‌های گیلکی

ریشه‌شناسی را به‌اختصار بررسی خاستگاه یا تاریخ واژه دانسته‌اند. از این‌رو برای دستیابی به ریشه حقیقی واژه باید در زمان به عقب برگشت تا به وضعیتی رسید که اطلاعات مربوط به واژه به‌صورت شفاف و روشن در اختیار قرار گیرد تا بتوان با اطمینان فرایند شکل‌گیری واژه را بازسازی کرد. در مجموعه واژگان گیلکی، آمیزه‌ای از واژگان چند زبان را می‌توان مشاهده کرد. واژگان بسیاری در گیلکی وجود دارند که عیناً در فارسی نیز دیده می‌شوند. همچنین واژگانی هستند که از نظر ساختار و معنی نزدیک یا شبیه به فارسی هستند. این شباهت در تلفظ واژگان گیلکی بی‌تأثیر نبود. در پاره‌ای از واژگان تشخیص تلفظ واژگان گیلکی دشوار است. از سویی شماری از واژگان کم‌کاربرد در فارسی را به‌وفور می‌توان در گیلکی یافت؛ که همچنان در این گویش کاربرد دارند. از سویی دیگر، واژگان عربی نیز بخش چشم‌گیری از واژگان گیلکی را به خود اختصاص می‌دهد. که بسیاری از آن‌ها برگرفته از مذهب، فرهنگ، آموزش، اقتصاد و سیاست است. البته این احتمال هست که این واژگان از فارسی به گیلکی راه یافته است. افزون بر این وام‌واژه‌های ترکی جایگاهی مشخص در گویش گیلکی دارند که بسیاری از طریق آذربایجان راه یافته‌اند. همچنین واژگان زبان‌های هند و اروپای غربی (زبان فرانسوی) بخش نسبتاً وسیعی از واژگان گیلکی را به خود اختصاص داده‌اند.

وام‌واژه‌های روسی نیز به جهت همسایگی بسیار در زبان گیلکی نفوذ یافته‌اند: راستاگویا، ۲۰۱۲: ۳۳-۳۷).

به‌عنوان مثال واژه rut

(آب) گل‌آلود و کثیف

بازمانده صفت مفعولی ایران باستان



Ru > ruta

"ناپاک کردن، کثیف کردن" >

Leu – هند و اروپای –

"کثیف کردن" (ریکس، ۲۰۰۱: ۴۱۴).

واج ایرانی باستان /t/ گاه به /d/ تبدیل می‌شود. واژه گیلکی rut با فعل فارسی "آلودن" آرای هم‌ریشه است.

alay_ a`ludan

"آلودن"، "ناپاک کردن" (مکنزی، ۱۳۷۹: ۳۶ به نقل از صبوری، ۱۳۹۶، ۴۵-۴۷، ۵۴)

مثال بعدی:

/fišadən/ دور ریختن

ماده مضارع – fišān، ماده ماضی – fišad

> ایرانی باستان – Šan «تکان دادن». بسنجید با: فارسی میانه زردشتی (با پیشوند – apa) afšān, afšāndan «افشاندن،

پراکندن، ریختن» (مکنزی، ۱۳۷۹: ۳۴)، پارتی (با پیشوند – ui) wišān «فروافکندن» (دورکین – مایستر ارنست، ۲۰۰۴،

۳۵۹)، ختنی – sān «فروافکندن» (امریک، ۱۹۶۸: ۱۲۷)، سغدی – šn «لرزیدن» (قریب، ۱۳۷۴: ۹۳۰۰)، خوارزمی Šny

«لرزیدن» (صمدی، ۱۹۸۶: ۱۹۸). فاری «افشاندن، افشان»-. نیز این ریشه در فعل بلوچی –Šānt /Šān «انداختن» و

هورامی Šānāy / Šān «افشاندن» به کار رفته است. (نک، چیونگ ۲۰۰۷: ۳۷۲ به نقل از صبوری، روشن، ۱۳۹۳، ۱۲۴)

بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های گویش گیلکی نه تنها پیوستگی این گویش را دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، به‌ویژه گویش‌های تاتی و تالشی در دوره‌های سه‌گانه تاریخی باستان میانه، و نو آشکار می‌سازد.

و سیر تحول واج‌ها و ساختار و ارگان این گویش را به‌روشنی بازمی‌نماید.

بلکه نشان‌دهنده ظرافت واژگانی و معنایی این گویش و دیگر زبان‌ها و گویش‌های مرتبط با آن نیز می‌باشد. (صبوری، ۱۳۹۶،

(۵۸)

علاقه‌مندان و پژوهش‌گران زبان گیلکی برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به فرهنگ‌های لغت گیلکی از جمله فرهنگ

گیل و دیلم محمود پاینده، مرعشی، سرتیپ پور، نوزاد، جهانگیری و... مراجعه نمایند.

زبان گیلکی، زبان مردم گیلان آمیخته‌ای از ادامه زبان‌های باستان ایرانی شاخه غربی و زبان مردمان بومی منطقه، پیش از

آخرین مهاجرت آریاییان به فلات ایران است. در این زبان بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های باستان ایران دیده می‌شود، برای

نمونه صرف فعل در زبان گیلکی با صرف فعل در زبان‌های پهلوی و پارتی شباهت دارد و نیز همگونی‌های وجه اخباری و

ماضی نقلی در گیلکی و پهلوی کاملاً قابل‌بررسی است. http://aneta.blogfa.com/post/35 کهکشان، تاریخ زبان

گیلکی.



۷- برخی لغات و اصطلاحات روسی در زبان گیلکی

این واژه‌ها عبارتند از:

۷-۱- iÂBXOR – RUSIÁ روسی آبخور روسی

از بازی‌های جمعی پسرانه است. به بازی بیسبال شباهت بسیار دارد. این بازی چنانکه از اسمش پیداست از روسیه و یحتمل از ناحیه قفقاز به گیلان آمده است. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۴۷)

گونه‌ای دیگر از آبخور که اصالت و $Xor. \theta - rus. i\bar{a}$ - بنیان بومی ندارد و از روسیه به گیلان آمده است. در این بازی هدف رو در روی حریف می‌ایستد و در موقع نزدیک شدن توپ به خود حق هیچ‌گونه حرکتی ندارد. اما جنبش برای گرفتن توپ در هوا بلامانع است. گرفتن توپ باعث باخت دسته حریف می‌شود و توپ را از دست آن‌ها خارج می‌کند. دسته برنده با اعلام اوستا از محل خود تا جایگاهی که قبلاً اعلام شده دسته‌جمعی به تاخت حرکت می‌نمایند و در همین حال یکی از افراد بازنده توپ را به سوی دوندگان نشانه‌گیری می‌کند. اگر فردی مورد اصابت توپ قرار گرفت، بازی خنثی شده و از نو آغاز می‌گردد و در غیر این صورت بازنده باید یک یا چند دور بنا به قرار قبلی سواری بدهد. (نوزاد، ۱۳۸۱: ۳).

این واژه در دو فرهنگ مرعشی و نوزاد روسی ذکر شده، در فرهنگ معین و سخن یافت نشد.

۷-۲- ÂBUŠKĀ آبوшка

پنجره شیشه‌ای، مأخوذ از روسی است. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۴۷).

به‌ظاهر روسی است، در تداول عامیانه buškaâ راه‌یافته است و به معنی پنجره، پنجره‌ای بزرگ و شیشه دار می‌باشد. آغشکه و آغشنه هم می‌گویند. (نوزاد، ۱۳۸۱: ۵).

این واژه در فرهنگ‌های مرعشی و نوزاد مأخوذ از روسی ثبت گردیده است.

در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا یافت نشد.

۷-۳- iMPERYĀL امپریال

سکه طلای روسیه تزاری. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۶۷)

سکه طلای [impérial فر] Amprriyāl دولت‌های خارجی به‌ویژه مسکوکات طلای روسیه (سخن، ج ۲۶: ۲ تزاری).

(دهخدا، ج ۱: ۵۵۸)

این واژه در فرهنگ معین یافت نشد.



۷-۴ اورسی URSi

کفش. کفش پاشنه‌دار. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۷۲)

۱. مربوط به روسیه ۲. ساختمان شبکه‌ای چوبی با شیشه‌های رنگی که درون پنجره‌ها و درها قرار می‌گیرد. ۳. نوعی در یا پنجره در بناهای قدیمی که به‌طور عمودی باز و بسته می‌شد. ۴. اتاقی که دارای در ارسی است. ۵. نوعی کفش چرمی پاشنه‌دار. (سخن، ج ۱: ۳۲۹)

این واژه در فرهنگ مرعشی روسی ذکر شده است. همچنین در فرهنگ سخن به روسی بودن آن اشاره‌ای نشد. در فرهنگ معین یافت نشد.

۷-۵ اوروسی URUSi

روسی. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۷۲)

ارس OROS: کشور روسیه، مردم روسیه. (سخن، ج ۱: ۳۲۸) ارسی OROS-i: مربوط به روسیه. ساخت روسیه. (همان: ۳۲۹)

ارسی: ۱. OROS-i. روسی، اهل روسیه، از مردم روسیه. ۲. کفش، پاپوش. ۳. در قدیمی که دارای چوب مخصوص بوده. (معین، ج ۱: ۲۰۱)

این واژه در معنی کشور روسیه در فرهنگ‌های مرعشی، معین و انوری از زبان روسی ذکر شده است.

۷-۶ اوروسی مورغ URUSi- MURY

مرغ روسی، بوقلمون. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۷۲)

در فرهنگ مرعشی به دلیل جز اول کلمه، اصل واژه روسی ذکر شده است. این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.

۷-۷ اوروسیه URUSi

نک به اوروسی. روسیه. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۷۲)

این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.

۷-۸ ایستول iSTUL

صندلی. به زبان آلمانی اشتول. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۷۹)

در فرهنگ مرعشی مأخوذ از روسی ذکر شده است. این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.



۹-۷ بارکاز BÂRKÂZ

کشتی باری کوچک. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۸۱)

بارکاس: bārkas [رس. bārkas] زورق بزرگ بخاری، کشتی کوچک. بیشتر در شمال ایران مستعمل است. (معین، ج ۱ ص ۴۵۰)

این واژه در فرهنگ مرعشی مأخوذ از روسی ذکر شده و در فرهنگ معین نیز به صورت بارکاس واژه روسی ضبط گردیده است. یعنی ز به س تبدیل شده است. این واژه در فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.

۱۰-۷ بانکا BÂNKÂ

پیت حلبی، پیت نفت. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۸۸)

مرعشی اصل کلمه را روسی ذکر کرده است.

این واژه در فرهنگ معین، دهخدا و سخن و نوزاد یافت نشد.

۱۱-۷ لوتکا LUTKÂ

نوعی قایق. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۹۴)

قایق، کرجی، زورق، بلم. (معین، ج ۳: ۳۵۶۵) (سخن، ج ۷: ۶۳۸۱)

به گفته شانسکی (شانسکی، ۱۹۹۴: ۱۷۱) و انوری این واژه ریشه روسی دارد.

در فرهنگ معین این واژه به صورت Lotkâ ضبط شده است. (معین، ج ۳: ۳۵۶۵)

۱۲-۷ بره لوتکا BARE-LUTKÂ

بدنه قایق، دیواره خارجی لتکا. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۹۵)

بدنه‌های قایق. لوتکا بره هم گفته می‌شود (نوزاد، ۱۳۸۱: ۶۰)

اصل واژه در فرهنگ نوزاد و مرعشی روسی ذکر شده است.

این واژه در فرهنگ معین، دهخدا و سخن یافت نشد.

۱۳-۷ پوت POT

واحد قدیمی اندازه گیری وزن در روسیه معادل ۱۶/۳۸ کیلوگرم. (سخن، ج ۲: ۱۴۳۵)



مقیاس وزن روسی معادل [پوط=] Pūt کیلوگرم. (قریب ۵ من تبریزی و ۱۶/۳۸۰۴۶ کسری) در گیلان و مازندران و آذربایجان مستعمل است. (معین، ج ۱: ۸۲۶).

بیت چوبی، کرمی مخصوص (پوت = پیت =) pət که چوب را سوراخ نموده و از آن تغذیه می‌نماید. کرم چوب‌خوار، خطرناک‌ترین آفت وسایل چوبی. (نوزاد، ۱۳۸۱: ۸۳)

در فرهنگ سخن و فرهنگ معین به معنی مقیاس وزنی ذکر شده است که در گیلان رایج است. این واژه به این معنی ریشه روسی دارد. در فرهنگ نوزاد با املائی مشابه به معنی کرم چوب‌خوار و در معنی متفاوت به کار رفته است. این واژه در فرهنگ مرعشی، دهخدا یافت نشد.

۷-۱۴ پامادور PÂMÂDOR

گوجه‌فرنگی است. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۱۱)

پامادور تحریف شده روسی در جلگه‌ها و تمانه تحریف شده انگلیسی در کوه‌ها استعمال دارد. معلوم نیست که این واژه چگونه به کوهسارانی که قاطر به زحمت می‌رود، راه یافته است. (پاینده، ۱۳۶۶: ۶۳۶)

کلمات مأخوذ از این واژه:

۷-۱۴-۱ پامادور

چقرتمه AQARTAMEČPÂMÂDOR از خورش‌های محلی است. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۱۱)

۷-۱۴-۲ پامادور قاطع PÂMÂDOR-QÂTOQ

از غذاهای بومی گیلان. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۱۱)

پاینده و مرعشی اصل این واژه را روسی ذکر کرده‌اند.

این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.

۷-۱۵ پراخوت PARÂXUT

کشتی بخاری و بزرگ مسافری. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۱۲)

مرعشی اصل آن را روسی ذکر کرده است.

این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.

۷-۱۶ تخم بالشویک TOXM-BÂLŠVI



بچه بلشویک، بچه نامشروع. اشاره به زمانی که بلشویک‌ها به گیلان حمله کرده بودند و به زنان تجاوز می‌کردند، شیطان و آتش پاره. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۳۴)

این واژه از دو جز تشکیل شده و بخش دوم آن، یعنی بلشویک واژه روسی است. این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد.

۱۷-۷ چقرتمه

بادکوبه‌ای ČEQARTAME-BÂDKUBEI

کوکوی مرغ. این کوکوی متداول در ایران چنانکه از اسمش پیداست، ریشه قفقازی دارد. (مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۶۵)
این واژه در فرهنگ معین، فرهنگ سخن، فرهنگ دهخدا و نوزاد یافت نشد. (شیخان، ۱۳۹۵، ۱، Cgie.org.ir/fa/news/)

۸- لهجه‌ها و گویش‌ها در زبان روسی

این طور نیست که هیچ لهجه و گویشی در زبان روسی وجود ندارد. ولی خب تعداد آن‌ها به اندازه سایر زبان‌های اروپای غربی زیاد نبوده و عمدتاً در محیط‌های عمومی پنهان و ضعیف است تا حدی که شما به عنوان یک خارجی اصلاً متوجه آن‌ها نخواهید شد. اکثر گویش‌های واقعی زبان روسی محدود به روستاها و شهرهای کوچک و مخصوص به افراد محلی است. خروج از چنین جاهایی و ورود به دنیای بزرگ مکالمات روسی به معنی کنار گذاشتن و از دست دادن آگاهانه گویش‌های محلی می‌باشد. در پژوهشی که چند تن از دانش آموزان دانشگاه مسکو که روی زبان روسی مطالعه می‌کردند، انجام دادند، برای جمع‌آوری داستان‌ها و ترانه‌های فولکلور محلی به برخی مناطق دورافتاده روسیه رفتند. و وقتی که با برخی از افراد محلی صحبت می‌کردند اصلاً نمی‌توانستند متوجه منظور و حرف‌های آن‌ها بشوند به قدری که گویش آن‌ها متفاوت بود. زیرا که از لغات و تلفظی استفاده می‌کردند که اصلاً در ادبیات زبان روسی وجود نداشت.

زبان روسی یک زبان یکدست و یکسان است. میزان یکدست و یکسان بودن زبان روسی در سرتاسر اتحاد جماهیر شوروی سابق بسیار جالب توجه می‌باشد. به عنوان مثال، مردم قزاقستان اغلب بهتر از خود اهالی روسیه به زبان روسی صحبت می‌کنند. اگر با قزاق‌ها کار و صحبت کرده باشید از میزان مشابهت گویش و لهجه آن‌ها با اهالی خود روسیه شگفت‌زده خواهید شد. هیچ تفاوت گرامری و لغوی مشاهده نکرده و فقط شاید متوجه چند تفاوت کوچک در تلفظ کلمات شوید.

حتی منابع فرهنگی آن‌ها هم تا حد زیادی مشابه است.

اگر بخواهیم راجع به دلایل یکدست بودن زبان روسی در همه جا صحبت کنیم باید به مواردی همچون توسعه زبان و فرهنگ روسی در سرتاسر قلمروی روسیه مدرن، وجود یک قدرت متمرکز، ادبیات غنی و قوی که پایه و اساس ادبیات خنثی روسی است اشاره نماییم. (مرکز آموزش زبان‌های خارجی دانشگاه شهید بهشتی IC.Sbu.ac.ir/blog/rus)



۹- واژه‌های روسی در گویش گیلکی آبکناری

- ۹-۱ بانکا: (مأخوذ از روسی). پیت - ظرف حلبی مکعب شکل روغن یا نفت و بنزین.
- ۹-۲ پوت: (روسی). واحد وزن - حدود ۵/۱۶ کیلوگرم یا ۱۸ لیتر
- ۹-۳ زمات: (پارسی باستان). زمان - وقت
- ۹-۴ ابه: (هم روسی است به معنی پسر و هم عربی است به معنی پدر)
- ۹-۵ داونا: (روسی). دمنو. نوعی بازی
- ۹-۶ چرتکه: (روسی). نوعی ماشین حساب دستی قدیم.
- ۹-۷ زاموسکا: (روسی). بتونه شیشه و...
- ۹-۸ پرد یا پرت: (روسی). پل. معمولاً برای عبور و مرور بر عرض رودخانه ساخته یا نصب می‌شود.
- ۹-۹ لوتکا: (روسی). نوعی قایق.
- ۹-۱۰ سی میچکه: (روسی). تخم آفتابگردان.
- ۹-۱۱ بوشکا: (روسی). بشکه - مخزن دویست لیتری نفت
- ۹-۱۲ کرتوپ: (روسی). یا کتوفل - سیب‌زمینی.
- ۹-۱۳ پامادار: (روسی). گوجه‌فرنگی. پامادور هم گفته می‌شود.
- ۹-۱۴ گیروانکا: (روسی) وزن ۴۰۰ گرمی. گرمانکا و گرماکا هم گفته می‌شود.
- ۹-۱۵ پیچانک: (روسی) بیسکویت. البته اسکناس، سماور و استکان هم روسی‌اند.
- بنابراین بسیاری از لغت‌های ترکی، روسی، عربی، هندی و لغات اروپایی (فرانسوی و انگلیسی) وارد فارسی و زبان‌های محلی شده‌اند. مخصوصاً وارد زبان گیلکی و جایی برای خود باز کرده‌اند که نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد. (شکوری، ۱۳۹۰، abkenarkadous.blogfa.)

۱۰- نتیجه‌گیری

وام‌پذیری رویداد و تحولی جهانی رایج و مختص به زبان گیلکی نیست بین گیلان و روسیه، غیر از مرزهای آبی دریاچه نیگون خزر همواره ارتباطات زبانی وسیعی به سبب مراودات و تحولات گسترده سیاسی، اقتصادی، تجاری و بازرگانی، فرهنگی و خویشاوندی وجود داشته که ماحصلش وام‌واژه‌های متنوع روسی در زبان گیلکی است. زبان روسی یکی از معروف‌ترین زبان‌های اروپایی با گویشوران بی‌شمار در سراسر جهان است. زبان گیلکی غیر از وام‌واژه‌های روسی، وام‌دار و پذیرای واژگان ترکی، یونان باستان، لاتین، هند و اروپایی (زبان فرانسوی) در طول اعصار بوده است.



وام گیری و قرض واژگانی در بیشتر مواقع موجب ذخیره واژگانی و غنای زبان مقصد شده و در گذر زمان جزو واژگان بومی منطقه محسوب خواهد شد.

ترکیبات مضاف و مضاف الیه و موصوف و صفت و ساختار افعال مثبت و منفی و معانی بیشتر واژگان در گیلکی مستقل و متفاوت از زبان فارسی است و به دلیل همین ویژگی هاست. که گیلکی زبان نامیده شده و گویش و لهجه نمی باشد. خطه سرسبز گیلان، که قطب عمده گردشگری و سفر در کشور می باشد که به دلیل مهاجرت های بی رویه و ورود افراد غیربومی و با زبان ها و فرهنگ های گوناگون و نزدیکی به پایتخت مخصوصا در مرکز استان وجود مراکز پیشرفته پزشکی و تجاری و اقتصادی و دانشگاهی خطر کم رنگ شدن و بی توجهی و بی مهری به زبان غنی گیلکی در آن محسوس است. صحبت کردن به زبان گیلکی با کودکان از سنین پایین در خانواده های گیلانی، می تواند باعث اعتلا و ماندگاری این زبان باستانی کهن شود.

فهرست منابع

- ۱- سید آقا رضایی، سیده مهنا. ۱۳۹۹. «وام واژه های روسی در گویش گیلکی، زبان فارسی و گویش های ایرانی ۹: صفحات ۱۶۹-۱۸۷.
- ۲- صبوری، نرجس بانو و روشن، بلقیس. ۱۳۹۳. «ریشه یابی چند واژه از گویش گیلکی»، «ادب پژوهی ۳۰: ۱۳۱-۱۷۱.
- ۳- صبوری، نرجس. ۱۳۹۶، «نگاهی به ریشه یابی چند واژه از گویش گیلکی»، «مجله زبان شناسی و گویش های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۶: ۴۵-۵۸.
- ۴- شیخان، نگار. ۱۳۹۵، «تأثیر زبان روسی بر گویش گیلکی و ورود برخی واژگان روسی به این گویش، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. Cgie.org.ir/fa/news/.
- ۵- شکوری، فرامرز. ۱۳۹۰، واژه های ترکی، روسی و... در گویش گیلکی آبکناری، آبکنارکادوس. abkenarkadous.blogfa
- ۶- مرکز آموزش زبان های خارجی دانشگاه شهید بهشتی، گویش ها و لهجه های زبان روسی IC.Sbu.ac.ir/blog/rus
- ۷- فیروزیان پور اصفهانی. آیدا، ۱۳۹۵، بررسی روند دگرگونی وام واژه های روسی در دو گویش گیلکی و مازندرانی. نخستین همایش بین المللی زبان و گویش های ایرانی کرانه جنوبی دریای خزر، دانشگاه پیام نور مشهد.
- ۸- http://gile_zakon.blogfa.com/post/215 گیلانی ها، گویش های گیلانی.
- ۹- <http://aneta.blogfa.com/post/35> کهکشان تاریخ، زبان گیلکی.